قسمت آخر

نیمهٔ پنهان

دربار شیطان

۲۸۸۲

دفتر پژوهشهای موسسه کیهان

پیدا و پنهان شکل‌گیری وهابیت

وقتی وهابیون برای خود حق خداوندی قائل می‌شوند!

وهابیت حق خداوندی برای خود قائل است

اما بزرگ‌ترین ایراد وارده بر وهابیت این است که آن‌ها همچون خوارج خود حکم به کفر بندگان می‌دهند.در حالی که به استناد قرآن و احادیث می‌توان گفت که این حقی اســـت که خداوند تنها برای خود قائل شـــده است. از آیات صریح قرآن است که خداوند می‌فرماید:[۱۸۲]

یـــا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی ســـبیل الله فتبینوا و لا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مومنا تبتغون عرض الحیوه الدنیا فعندالله مغانم کثیـــره کذلـــک کنتم من قبل فمن الله علیکم فتبینـــوا ان الله کان بما تعملون خبیرا.»

«ای اهـــل ایمان،چون در راه دین خدا بیرون روید، در کار دشـــمن و دوســـت تحقیق کنید و بر آن کس که اظهار اســـلام کند و به شما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر مدهید تا به بهانه‌ای مال و جانش را بر خود حلال کنید و از متاع ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید که غنائم بیشمار نزد خداست. اسلام شـــما هم اول امر همچنین اظهار و تسلیمی بیش نبود تا وقتی که خدا بر شـــما به نور ایمان منت گذاشـــت تا از اظهار اسلام بر حقیقت ایمان رسیدید. پس اکنون باید تحقیق کنید و به هوس و طمع در جان و مال مردم کســـی را به کفر نســـبت ندهید که خدا به هر چه کنید، کاملا آگاه است.»

همچنین باید گفت در حالی که علمای مذاهب اربعه پذیرفته‌اند که سخن و سیره پیغمبر این بود که گوینده شهادتین را دیگر کافر نمی‌دانست و حتی از پیامبر نقل می‌شود که ایشان فرموده‌اند: «هر کس بمیرد در حالی که می‌داند که جز خدا، خدایی نیست داخل بهشت می‌شود.»، نوسلفی‌ها به حکم کفر غیر خودشان رای می‌دهند.

زمانی که پیامبر معاذبن جبل را برای دعوت مردم به سوی خدا به یمن فرستاد به وی فرمود، «تو به نزد قومی از اهل کتاب می‌روی، نخست ایشان را به شهادت لا اله الاالله دعوت کن، هرگاه اطاعت کردند آگاهشان نما که خداوند پنج نماز در هر شبانه‌روز بر آن‌ها واجب کرده است، اگر پذیرفتند بگو که بر ثروتمندان دادن زکات واجب است تا به فقرا پرداخت شود.[۱۸۳]

ابن حنبل از عمر و او از پیغمبر (ص) روایت کرده است که: خداوند به من دستور داد که با مردم جنگ کنم تا کلمه لا اله الاالله را بر زبان جاری سازند و هر کس آن را بگوید مال و جانش، محفوظ است مگر آن‌جا که حقی در میان است و حساب کار با خدای تعالی است.[۱۸۴]

بنابراین حکم به کفر و شـــرک کسی برخلاف روح اسلام و منافی با سـیره پیامبر است! نمونه‌های صریح بسیاری از رفتار پیامبر در این باره می‌توان ذکر کرد. پیامبر خود وقتی شنید اسامه بن زیاد،مرد بت‌پرستی را که در میدان جنگ کلمه توحید را بر زبان جاری ساخته، کشته است، ســـخت بر او غضب کرد و این عذر اســـامه را که او از ترس کشته شدن توحید را بر زبان آورده، نپذیرفت و فرمود که آیا دل او را شکافتی تا ببینی از روی اعتقاد بود یا ترس؟ یا وقتی عمر از پیغمبر (ص) اجازه خواســـت که عبدالله ابن ابی، رئیس منافقین را به قتل برســـاند، پیغمبر فرمود که اگر چنین کنی مردم خواهند گفت که محمد، اصحاب خود را می‌کشد! پیامبر به عمر ودیگران فهماند که وقتی کســـی کلمه توحید را می‌گوید، در رده مسلمانان است، باقی حکم مربوط به خداوند می‌شود که به اسرار قلوب آگاه است.

چگونه است که وهابیان خود را صاحب این حق خداوندی می‌دانند؟

*** اما بزرگ‌ترین ایراد وارده بر وهابیت این است که آن‌ها همچون خوارج خود حکم به کفر بندگان می‌دهند.در حالی که به استناد قرآن و احادیث می‌توان گفت این حقی است که خداوند تنها برای خود قائل شده است.**

***

*** در حالی که علمای مذاهب اربعه پذیرفته‌اند که سخن و سیره پیغمبر این بود که گوینده شهادتین را دیگر کافر نمی‌دانست و حتی از پیامبر نقل می‌شود که ایشان فرموده‌اند: «هر کس بمیرد در حالی که می‌داند که جز خدا، خدایی نیست داخل بهشت می‌شود.»، نوسلفی‌ها به حکم کفر غیر خودشان رای می‌دهند.**

***

تاریخچه شکل‌گیری رژیم جنایتکار آل‌سعود

دربار شیطان به بازار آمد

همزمان با جنایات وحشیانه رژیـــم آل‌ســـعود، پنجاهمین جلـــد از مجموعـــه کتاب‌های «نیمه‌پنهان» شامل تاریخچه و نحوه شکل‌گیری وهابیت توسط نیروهای استعمارگر انگلستان در شبه‌جزیره حجاز منتشر شد.این کتاب با عنوان «دربار شیطان» به کوشـــش دفتر پژوهش‌های مؤسســـه کیهان و به مناسبت برگزاری بیســـت و هشـــتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران وارد بازار نشر شـــده است. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

هارولد دیکســـون در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «در روز ششم مذاکرات در العقیر آقای پرســـی کاکس صبر خود را از دست داد و عبدالعزیز بن سعود را به انجام اقدامات بچه‌گانه در زمینه پیشـــنهاد مرزی عشایر بین عـــراق و نجد متهم کرد.» دیکســـون می‌گوید: «برای من عجیب بود که می‌دیدم سلطان نجد از ســـوی نماینده ارشـــد دولت انگلیس مانند یک شاگرد ضعیف و ذلیـــل مورد توبیخ قرار می‌گیـــرد. کاکس با لحنی قاطع به ابن ســـعود گفت که خودش بدون توجه به هر اعتراضی مرزها را مشـــخص خواهد کرد. در این لحظه بود که عبدالعزیز به التماس و اظهار دوســـتی با کاکس افتاد و با لحنی خفت‌بار و ملتمســـانه گفت: «حضرتعالی پدر و مادر من هستی. غیرممکن است من لطف شما را فراموش کنم. شما دست مرا گرفتید و پرورش دادید و مرا بالا بردید. با یک اشـــاره و دستور شـــما من حاضرم از همه کشورم چشم‌پوشی کنم.» در این هنگام کاکس خودکار قرمز را برداشـــت و مرز شـــبه جزیره عربســـتان را رســـم کرد و نقـــاط مختلف آن، از خلیج فارس تا شـــرق اردن را توضیح داد.»

کتـــاب «دربار شـــیطان» به شهیدان اهل سنت، خاصه شهید مظلوم «ماموســـتا شیخ‌الاسلام» تقدیم شـــده و در قسمت تقدیم آن آمده است:

اگـــر روزگاری دســـت کثیف انگلستان از آستین بهائیت بیرون زده بود، امروز نیز چنگال خونین آمریکا و انگلیس از آستین وهابیت بیرون آمده و مشغول جنایت است. برای جنود شیطان شیعه و سنی فرقی ندارد، تفرقه و ترور شـــیوه همیشگی آنان بوده و در راستای پاره پاره کردن جهان اسلام از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند.

در ایـــن کتاب خواننده علاوه بر آشـــنایی با تفکـــرات حاکم بر سرکردگان فرقه ضاله وهابیت به پاسخ این سؤال‌ها دست می‌یابد که چرا انگلستان، آل‌سعود را به قدرت رساند؟ و هدف جهانخواران از شـــکل‌گیری وهابیت چه بوده اســـت؟ عناوین برخی از فصول کتاب به شرح زیر است:

مثلث شوم انگلستان، وهابیت و آل‌سعود

سلفی‌ها و دشمنی با شیعیان

پسر عبدالوهاب منجی مِستر هَمفِر

شام اروپایی عبدالعزیز به شیوه شکسپیر

آرزوهای عبدالعزیز و سکوت بریتانیا

فرزندان ناخلف شیطان

عربستان وهابیت را صادر می‌کند

نفعی کـــه غـــرب از افراطی‌ها می‌برد

ریشه اختلاف‌ها

همچنین بخش پایانی کتاب به اســـناد و تصاویـــر و معرفی برخی شهدای اهل سنت نظیر شـــهید مولوی جنگـــی زهی، شـــهید ماموســـتا برهان‌عالی، شـــهید برهان‌الدین ربانی و ... اختصاص دارد.

این کتـــاب در قطع رقعی، شـــامل ۳۲۰ صفحه به قیمت ۱۴۰۰۰ تومـــان در دســـترس علاقه‌مندان قرار گرفته اســـت. پژوهشـــگران و دوســـتداران کتـــاب می‌توانند بـــرای خرید کتـــاب «دربـــار شـــیطان» با تلفـــن۳۳۱۱۰۲۰۱ و نمابـــر ۳۳۹۱۷۰۷۵ تمـــاس برقـــرار نمایند و یا به کتابفروشی کیهان واقع در خیابان انقلاب اسلامی، مقابل در اصلی دانشگاه تهران مراجعه کنند.

هموطنان شهرســـتانی نیز می‌تواننـــد برای تهیـــه کتاب به نمایندگی‌هـــای کیهان در شهرستان‌ها مراجعه کنند.

روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۹۲-۱۳۳۲

اصلاح طلبان چگونه مرعوب تهدیدهای آمریکا در موضوع هسته‌ای شدند؟

آمریکا و پرونده هسته‌ای ایران

یکی از پیشرفته‌ترین دانش‌ها و فن آوریهای دوران معاصر، دانش و فناوری هسته‌ای است که طیف وسیعی از دانش‌های گوناگون را دربر می‌گیرد و دستاوردهای آن در زمینه‌های گوناگون همچون پزشـــکی، کشاورزی، تولید برق، صنایع غذایی، اکتشاف نفت و ... کاربرد داشـــته و تصور اینکه دانش هســـته‌ای فقط برای تولید برق و انرژی می‌باشد، تصور صحیحی نیست.

صنعت هسته‌ای کشور طی چند دهه گذشته، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت ســـر گذاشته است. طی این مدت، صدها تن از متخصصین و کارشناسان رشته‌های گوناگون دانشگاهی، دست به دست هم داده تا این صنعت شکوفا گردد و به بار بنشیند.

البته همواره این مسیر با سختی‌ها و کارشکنی‌های فراوانی از جانب دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، به ویژه دولت آمریکا، همراه بوده است.

با همه این مشکلات و ناملایمات، فداکاری برخی عناصر مؤمن و از خود گذشته، باعث رشد و اعتلای صنعت هسته‌ای کشور شد و دستاوردهای بزرگی همچون دستیابی به غنی‌سازی ۲۰ درصد، برپایی راکتور آب سنگین اراک، راه اندازی سایت فردو، تولید سانتریفیوژهای نسل جدید و ... از جمله ثمرات تلاش‌های خالصانه آنان بود.

این پیشرفت‌ها باعث شد تا دشمنان خبیث و سرسخت نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیســـتی بـــه فکر مقابله جدی با جمهوری اسلامی افتادند و لذا با همکاری سازمان‌های جاسوسی سه کشور، طرح خرابکاری‌های گوناگون در سایت‌های هسته‌ای کشور و شناسایی و ترور دانشمندان هسته‌ای کشور در دســـتور کار آنان قرار گرفت. پس از چندی، تروریست‌های وابسته به سازمان‌های جاسوسی سیا و موساد، اقدام به ترور شهیدان: شهریاری، علیمحمدی، احمدی روشن و رضائی نژاد نمودند.

در نتیجه پیشرفت‌های هر روزه صنعت هسته‌ای و دستیابی به فرآورده‌ها و ابتکارات جدید، شاهد تولید، نصب و راه اندازی ۱۹ هزار سانتریفیوژ بودیم.

برای مقابله با پیشرفت‌های فوق، کشورهای غربی به سردمداری آمریکا، تحریم‌های گســـترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کردند تا با خسته کردن مردم ما، آنان را وادار کنند از حقوق هســـته‌ای خود چشم بپوشند که نتوانستند به این هدف دست پیدا کنند.

با توجه به کاربردهای گســـترده صنعت هســـته‌ای، حال خواهیم دید که دولت ایالات متحده آمریکا طی دو دهه اخیر، چه سنگ اندازی‌ها و کارشکنی‌هایی در مسیر دستیابی ایران به صنعت هسته‌ای، انجام داده است .

پرونده هسته‌ای در دوره رئیس دولت اصلاحات

جمهوری اسلامی ایران در پاییز سال ۱۳۸۱ رسماً دستیابی به فناوری هسته‌ای را اعـــلام کـــرد. اعلام این خبر باعث شـــد تا دولت‌های غربی به ویـــژه آمریکا، رژیم صهیونیســـتی و گروهک منافقین، همه روزه به انتشـــار خبرهایی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران بپردازند.[۱]

پس از آن ظرف مدت کوتاهی، یک فضای ســـنگین سیاســـی و رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران در محیط بین الملل به وجود آمد. رسانه‌های غربی کوشیدند تا از طریق صحنه آرایی گسترده، برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان تهدید آشکار برای صلح و امنیت جهانی جلوه دهند و افکار عمومی جهانی را علیه جمهوری اســـلامی جهت‌دهی نمایند. دولت آمریکا همه تلاش خود را به کار برد تا نوعی اجماع بین‌المللی بر ضد فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران به وجود آورد. آمریکا همچنین سران گروه هشت را متقاعد کرد که پیام شدیدی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارسال کنند.[۲] آنان سپس در این فرآیند اتهام زنی و جوسازی، ایران را تحت فشارهای سیاسی قرار دادند و با کاربرد ادبیات تهدید آمیز، مقامات کشور را به عقب نشینی سریع، تعطیلی فوری سایت‌های هسته‌ای و پذیرش پروتکل الحاقی فرا خواندند.

این تبلیغات، به بازشـــدن پرونده ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجامید.

قوه مجریه و قوه مقننه کشور نیز که در اختیار جناح موسوم به اصلاح طلب بود، خیلی زود مرعوب تهدیدات غربی‌ها شدند و زمزمه سازش با دشمن و عقب نشینی در برابر آنها، مطرح گردید.[۳]

در این شرایط، دولت خاتمی اقدام به نگارش نامه‌ای سازشکارانه خطاب به دولت آمریکا می‌کند. صادق خرازی که پیشـــنهاد نوشتن این نامه را داده بود، در مورد این موضوع می‌گوید :

« ما برای اعتمادســـازی [!] اقدام به نگارش این نامه کردیم ... به پیشـــنهاد من، دولت هشتم نامه‌ای به آمریکا نوشت و همراهی اش با برخی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا مثل سازش در فلسطین و لزوم تبدیل حزب الله لبنان به یک حزب سیاسی و شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را اعلام کرد ».[۴]

مقامات غربی که ترس و نگرانی مســـئولین دولت وقت را دیده بودند، فرصت را برای باج گیری از ایران مناسب دیدند. لذا در اردیبهشت ۱۳۸۲ جنجال بر سر پرونده هسته‌ای ایران دوباره اوج گرفت و در خرداد همان سال موضوع پرونده ایران در دستور کار شورای حکام آژانس قرار گرفت.

مقام معظم رهبری با توجه به تهدیدات دشمن و جنگ روانی گسترده آنها در آن مقطع زمانی، طی سخنانی در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۸۲ می‌فرمایند:

« دشمن، سیاسی و سیاستمدار است. مغز طراح سیاسی دارد، فکر می‌کند که چه کار باید بکند. یکی از طراحی‌ها این است که حرف آخر را اول نزنند ؛ آرام آرام و به تدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرف مقابل را وادار به عقب نشـــینی کنند. به مجردی که عقب نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد. حالا بعضی‌ها می‌گویند چیزی بدهیم و چیزی بگیریم ! بدهیمش درست است، بگیریمش درست نیســـت ؛ هیچ چیز نخواهند داد ... اگر قرار اســـت قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخم هایش را درهم بکشـــد و بگوید من قوی هســـتم و می‌زنم و می‌برم و می‌بندم ؛ حواســـتان جمع باشد، انسان جا بخورد، این جا خوردن، حد یقف ندارد. شـــما این سنگر را عقب می‌نشینید، فرض کنید فلان الحاقیه [پروتکل الحاقی] را قبول می‌کنیـــد، بعد یک مطالبه دیگری را مطرح می‌کنند: فلان دولت غیرقانونی را به رســـمیت بشناســـید ! باز همان فشارها و همان تهدیدها. به مجردی که فلان دولت غیرقانونی را به رســـمیت شناختید، باز یک درخواست دیگر مطرح می‌شود: اســـم اسلام را از قانون اساسی تان بردارید ! شما باید ذره ذره عقب بنشینید ؛ این حد یقفی ندارد. من این موضوع را بارها به بعضی از مسئولانی که دچار وسوسه و واهمه‌هایی بودند، گفته ام که حد یقف فشار آمریکا کجاست ؟ آن را مشخص کنید که اگر به آنجا رسیدیم، دیگر بعد از آن هیچ فشاری علیه ما نخواهد بود. من عرض کنم حد یقف کجاســـت ؟ آنجایی است که شما ـ که چنین حقی را نه شما دارید، نه من ـ از طرف ملت ایران اعلام کنید که ما اســـلام، جمهوری اسلامی و حکومت مردمی را نمی‌خواهیم ؛ هر کسی که شما مصلحت می‌دانید، بیاید در این مملکت حکومت کند ! این حد یقف است ؛ اول اسارت مملکت. مگر می‌توانیم ؟ من و شما مگر می‌توانیم مملکت را به دست دشمن بدهیم ؟ مگر ما چنین حقی داریم ؟ این ملت ما را برای این سر کار نیاورد ».[۵]

*** جمهوری اسلامی ایران در پاییز سال ۱۳۸۱ رسماً دستیابی به فناوری هسته‌ای را اعلام کرد. اعلام این خبر باعث شد تا دولت‌های غربی به ویژه آمریکا، رژیم صهیونیستی و گروهک منافقین، همه روزه به انتشار خبرهایی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران بپردازند. قوه مجریه و قوه مقننه کشور که در این برهه در اختیار جناح موسوم به اصلاح طلب بود، خیلی زود مرعوب تهدیدات غربی‌ها شدند و زمزمه سازش با دشمن و عقب نشینی در برابر آنها، مطرح گردید.**

***

منابع در دفتر روزنامه موجود است

مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعترافات متهمان وقایع پس از انتخابات

سیاست انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن سر مشق حزب منحله مشارکت!

محتوای این ســـند که با حضور اعضـــای مرکزیت و برخی مشاوران نظریه پرداز حزب طی جلساتی مستمرتنظیم و تدوین شده، به اندازه ای منحرف و مجرمانه است که تبیین انحرافات و تعارضات آن با اسلام، قانون اساسی، قوانین موضوعه و ارزش‌های ملت ریشـــه‌دار ایران از حوصله این دادگاه خارج بوده و فرصتی مستقل می طلبد.

در اینجا با اجازه ریاســـت محترم دادگاه، درحدی که برای اســـتناد درخواست تقدیمی، لازم اســـت چند جمله ای را به استحضار می رساند.

پیش نویس این ســـند که به امضای تعدادی از اعضا رسیده است و مفاد آن بسیار زشت و حاوی عباراتی ننگ آور می باشد در پرونده موجود است اما از آنجا که این سند پیش نویس مورد تایید کل اعضاء قرار نگرفته، در چارچوب پرونده مربوطه و افرادی که در تنظیم پیش نویس آن مشـــارکت داشته‌اند به استحضار دادگاه محترم خواهد رسید.

هر چند اصل تفکر سانســـور نشـــده حزب مشارکت همان محتوایی اســـت که در پیش نویس آمده اســـت و متن نهایی مصوب کنگره چندین بار تعدیل شده تا از لحاظ حقوقی و هضم و پذیرش سایر اعضا با مشکل مواجه نشود لکن به جهت رعایت جوانب حقوقی به قدر کفایت برای درخواست انحلال این حزب صرفاً به عباراتی کوتاه از سند نهایی بسنده می کنیم:

۱.در بند الف ۱ این سند در تحریف آشکار تاریخی، انقلاب اسلامی ایران را انقلاب ایران و بر خلاف نص قانون اساسی و در مقابل نقض آشـــکار با نظرات امام خمینی(ره) و ملت ایران که برای تحقق یک انقلاب مکتبی دهها هزار شهید تقدیم نموده اند، انقلاب جمهوریت در سازگاری با ارزش های دینی و نه انقلاب اسلامی معرفی می کند.

۲.در چند ســـطر بعد با تقبیح احتـــرام نظام به آراء عموم مـــردم و در مخالفت به احترام به آراء عموم ملت در مقابل آراء خواص و احزاب قدرت طلب این احترام نظام به مردم که مرام امیرالمومنین(ع) و ســـیره عملی امام خمینی (ره) بوده است را تقدس بخشیدن به عامه مردم در مقابل نهادهای مدنی می‌خواند و با اهانت به آگاهی مردم شریف ایران حضور آنان در صحنه را «مشارکت توده وار و بسیج شده از بالا» نام می گذارد و مدعی می شود که پس از ارتحال امام خمینی(ره) «اندک سالاری» یا حاکمیت اقلیت بر اکثریت حاکم شده است و با کاربرد عبارت «یکه سالاری» مدعی می شود که کشور در حال سیر از «اندک سالاری» به «یکه سالاری» است.

۳.در سراسر اسناد حزب ضمن تصریح به عدم وجود مردم سالاری در ایران موضوع گذار به دمکراسی مطرح است و شرایطی را که برای حرکت از یک نظام دیکتاتوری به نظام دمکراسی باید طی شود را مرحله بندی و پیشنهاد می نماید.

۴.در بند الف ۲ از همین ســـند حاکمیت ایران را توتالیتر، اقتدارگرای نظامی و ســـلطانی معرفی کرده و با قدری ارفاق به بخشی از جریان حاکمیت ایران به آن عنوان«دیکتاتوری لیبرال» داده است که کاربرد چنین نسبت هایی به نظام بر آمده از خون ده‌ها هزار شهید و صدها هزار جانباز و مسئولانی که با رای بالای مردم و با مشارکت های بی سابقه در جهان، بطور مستقیم و غیر مستقیم انتخابات گردیده‌اند ظالمانه می باشد.

۵.حزب استراتژی خود را در بند الف ۲ در سه مرحله مطرح می‌کند؛

کوتاه مدت: مقابله با ساختار حقیقی(مسئولان موجود کشور و در دست گرفتن قدرت تحت عنوان گذار به مردم سالاری بیشتر

میان مدت: تغییر ساختار حقوقی (قانون اساسی)

بلند مدت: مردم سالاری تمام عیار که منظور آنها حذف دین از مالکیت کشور است.

آقای رمضان زاده قائم مقام حزب مشارکت در بازجویی خود در خصوص منظور از مردم ســـالاری تمام عیار مورد نظر حزب چنین می نویسد: «من از مردمسالاری تمام عیار آن چیزی که می فهمم دمکراسی بی قید و شرط و یا حتی غیردینی است.»

۶. در بند الف ۴ این ســـند حزب مشارکت گام اول مبارزه خود را ایجاد یک بخش مردم سالار در درون حاکمیت می‌خواند. صرفنظر از جفای بزرگ این حزب در کاربرد این عبارت که به معنی عدم وجود حتی یک بخش مردم سالار در درون حکومت در شـــرایط فعلی است موضع بدترازآن این است که رسیدن به امکان حضور مردمســـالاران در بخشـــی از حکومت را مستلزم دگرگونی ارزشی و ایدئولوژیک نظام و یا یک اتفاق پیش بینی نشده می داند.

ریاســـت محترم دادگاه اســـتدعا دارم به عین عبارت توجه فرمایید: « الزامات گام اول: ایجاد یک بخش مردمسالار در درون حاکمیت ممکن است در نتیجه فرآیند طولانی دگرگونی ارزشی و ایدئولوژیک و یا یک اتفاق پیش بینی نشده حاصل گردد. اما تداوم آن مستلزم تحقق پیش شرط های زیر است»

۱-عدم التزام به قانون اساسی و ترویج حاکمیت دوگانه در اسناد رسمی (حاکمیت دو گانه) حزب مشارکت که در اسناد و جلسات رسمی خود حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را به دو بخش دموکراتیک و غیردموکراتیک تقسیم می کند، صرفنظر از انحرافی بودن این نظریه که حاکی از عدم اعتقاد و عدم التزام این حزب به قانون اساسی است. این موضوع که حزب موفقیت خود در پیشبرد اهداف را نهادینه کردن اختلاف در نظام می‌داند و بر خلاف دستورات الهی و اسلامی و در تقابل صریح با سیره امام (ره) است که همیشه بر وحدت تاکید داشتند.

۲-طراحی اختلاف و تفرقه افکنی میان اجزاء مختلف نظام: حزب اعتقاد خود در مورد راه پیشرفت مردمسالاری را در بند۱ الزامات گام اول راهبردی اینگونه بیان می کند: تداوم حضور یک بخش مردمســـالار در درون حاکمیت مشروط به این است که: «تفاوت معناداری از نظر مواضع و ارزشهای میان این بخش (از حاکمیت) با بخش غیر دمکراتیک حاکمیت وجود داشته باشد» به عبارت دیگر حزب پیشرفت خود را مستلزم وجود اختلاف و آن هم نه اختلاف سلیقه بلکه اختلاف در ارزشها و مبانی میان ارکان نظام می داند.

۳-ایده پردازی خشـــونت و درگیـــری دائمی میان مردم و نظام(فشار توده ای): حزب مشارکت به‌جای وحدت مورد نظر امام خمینی(ره) تفرقه را ترویج می کند و به اختلافات اساسی بین بخشـــهای مختلف حاکمیت نیز اکتفا نکرده و شرط دیگر تـــداوم حضور خود در حاکمیـــت را رو در رو قراردادن مردم با ارکان نظـــام و رویارویی خیابانی مردم بـــا نظام می داند عین عبارت ســـند حزبی این اســـت: « بخش مردمسالار حاکمیت در بهره گیری از فشـــارهای توده ای برای رســـیدن به سازش استقلال عمل قابل ملاحظه‌ای پیدا کند». و این همان تئوری اســـت که به اجرا گذاشتن آن آشوب های خیابانی و خساراتی را که پس از انتخابات شاهد آن بودیم به دنبال داشت. حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و تحصن مجلس سال ۱۳۸۲و درگیریهای فراوان دیگر در دوره دولت هم پیمان این حزب، ریشه در همین تفکر داشت. بدیهی است حزبی که اختلاف مبانی ارکان نظام و درگیر کردن مردم با نظام را تئوریزه می کند و رســـماً در سند حزبی خـــود آن را مکتوب می نماید و به جای نظریات وحدت بخش امام خمینی(ره) نظریه انگلیسی، تفرقه بینداز و حکومت کن را سر مشق راهبرد خود قرار می‌دهد، استمرار وجود و فعالیت آن حزب همیشه منشأ درگیری‌ها، ناآرامیها وتلخ کامی‌ها برای ملت ایران و موجب خشنودی استعمارگران و دشمنان قسم خورده ملت ایران خواهد بود.

ریاست محترم دادگاه

آنچه به اســـتحضار رســـید گر چه برای تصمیم گیری در مورد توقف فعالیت این حزب کافی بنظر می‌رســـد لکن اجازه می‌خواهم دراین فرصت به چند مورد دیگر که در روشن شدن ماهیت انحرافی این حزب برای دادگاه محترم مفید خواهد بود اشاره مختصری داشته باشم.

تئوریزه کردن خیانت به ملت ایران: حزب مشارکت در یک اقدام عجیب و باورنکردنی موضع رسمی استراتژیک خود را که هیچ عنوانی جز خیانت به میهن عزیزمان ایران و باز کردن راه برای نفوذ و تسلط بیگانگان به آن نمی توان داد در بند ۴ الزامات گام اول راهبرد اینگونه مکتوب می کند تا لکه ننگ ابدی برای همه کسانی باشد که به چنین نگرشی روی آورده‌اند. «۴- بخش مردمسالار حاکمیت بتواند از بحرانهایی که کل سیستم را تهدید می کند به نفع تثبیت مردمسالاری و چانه‌زنی بیشتر استفاده نماید»

در طول تاریخ آنچه در هنجارهای حزبی و سیاسی در اغلب کشورهای جهان حاکم بوده و هست هنجار غالب این است که هر گاه تمامیت نظام سیاسی کشور تهدید می شود یعنی شرایط جنگ و تجاوز بیگانگان، تهدیدات و تحریم های سنگین خارجی حوادث و بلایای سنگین طبیعی، کودتا و نظایر آن احزاب مخالف و حتی معارض با یکدیگر متحد می‌شـــوند و اختلافات را کنار می‌گذارند و وحدت ملی را حفظ می کنند تا بحران رد شود و امام خمینی(ره) نظریه انگلیسی، تفرقه بینداز و حکومت کن را سر مشق راهبرد خود قرار می‌دهد، استمرار وجود و فعالیت آن حزب همیشه منشأ درگیریها، ناآرامیها وتلخ کامی‌ها برای ملت ایران و موجب خشنودی استعمارگران و دشمنان قسم خورده ملت ایران خواهد بود.

*** حزبی که اختلاف مبانی ارکان نظام و درگیر کردن مردم با نظام را تئوریزه می کند و رسما در سند حزبی خود آن را مکتوب می نماید و به جای نظریات وحدت بخش امام خمینی(ره) نظریه انگلیسی، تفرقه بینداز و حکومت کن را سر مشق راهبرد خود قرار می دهد، استمرار وجود و فعالیت آن حزب همیشه منشأ درگیری‌ها، ناآرامی‌ها وتلخ کامی‌ها برای ملت ایران و موجب خشنودی استعمارگران و دشمنان قسم خورده ملت ایران خواهد بود.**

***

ریاست محترم دادگاه، حضار گرامی

در جریان بحران هسته ای و فشارهای سنگین و تحریم های کشورهای سلطه گر و نهادهای استعماری بین المللی که همگی بـــرای ایجاد بحران علیه ایران متحد شـــده بودند و مردم ایران یکپارچه شـــعار می دادند انرژی هسته ای حق مسلم ماست و حفظ وحدت کلمه احزاب و گروهها دراین مورد بگونه ای تحسین برانگیز طمع بیگانگان به هر گونه شـــکاف داخلی را بکلی قطع کرده بود و حتی بعضی از احزاب رسماً برانداز و ضد انقلاب نیز، برای جلب افکار عمومی و اثبات ایرانی بودن خودشـــان با این شعار ملت ایران همراهی می کردند تنها حزب مشارکت بود که ســـاز مخالف می زد و در صدد بود تا راهی برای نفوذ دشمنان سلطه‌گر باز کند و فضا را برای محروم شدن ملت ایران از حق مســـلم انرژی هسته ای و به هدف رسیدن سلطه گران اجنبی باز کند تا شاید از طریق این فشار، امتیازی از نظام بگیرد یادر قبال این خوش خدمتی از بیگانگان جایزه ای دریافت کند.

هنگامی که مردم ایران با عزم ملی و حمایت از سیاست خارجی مبتنی بر اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی، حق مسلم و مشروع خود را پیگیری می کردند و نظام سلطه و بازیگران سلطه گر از این اتحاد و انسجام ملی سخت به وحشت افتادند و با بازی نمایشی اجماع علیه ایران و لبه پرتگاه جنگ سعی نمودند ملت ایران را از اهداف خود منحرف سازند، در این میان حزب مشارکت به مثابه پایگاه تکرار کننده امواج جنگ روانی نظام سلطه علیه ملت ایران، همگام و همصدا با آنان این روند را تشدید کرد.

همنوایی حزب مشارکت با دشمن، سخنرانی‌ها، جلسات و رد و بدل کردن پیامهای این حزب در آن شرایط خطیر از مردم پنهان نیست، لکن برای یادآوری و استناد دادگاه نمونه‌ای از آن را به استحضار می رسانم: در مورخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۴ در شرایطی که مردم هر روز برای انرژی هسته ای تظاهرات می‌کردند حزب مشـــارکت با تخطئه این تظاهرات مردمـــی در بیانیه‌ای اذعان می‌دارد: « ما برای آینده کشور شدیداً بیمناک هستیم و خطر را جدی‌تر از آن می دانیم که با تبلیغات و استفاده از عرق ملی و تهییج احساسات پاک وطن دوستی بتوان بر آن فائق شد ».

شرایطی که دشـــمن با چماق تهدید و زبان زور و تخریب سعی می کرد نظام جمهوری اسلامی را از دنبال کردن خواسته به حق خود در موضوع هسته ای منصرف سازد. این حزب نیز همنوا با دشمنان زورگو خواستار انفعال ایران در برابر سلطه‌گران بین المللی گردید.

حـــزب مشـــارکت در بیانیه مذکوردســـت‌یابی بـــه انرژی هسته‌ای در ایران را آرزویی غیر قابل تحقق می داند و تصریح می‌کند:«نگرانی ما را بر آن می دارد تا مسئولین کشور خود را بخواهیـــم تا بیش از آنکه به آرمان گرایی های غیر قابل تحقق بیندیشند به فکر چاره ای برای رفع آلام باشند».

اختلافات را به شـــرایط بعد از بحران وا می گذارند. این نه تنها یک هنجار سیاســـی بلکه یک واکنش طبیعی انسانی و فطری در هر انسان با وجدان اســـت. هر گاه کانون خانواده‌ای تهدید شود و مورد تجاوزی واقع شود، اعضای یک خانواده اختلاف را کنار می گذارند و دعوای خودرا به بعد بحران محول می کنند. ولی حزب مشـــارکت معتقد است حتی وقتی در مسند قدرت باشـــد و بخشی از حکومت را در اختیار داشته باشد هم باید از فرصت تهدیدات خارجی علیه نظام برای حل مشـــکلات خود بـــا بخش دیگر حاکمیت بهره گیرد. چه رســـد به اینکه حزب درقدرت نباشد که در این صورت وای به حال ملت و میهن. هر چند اغلب افراد مرکزیت حزب مشارکت از چنین عبارتی که در استراتژی حزب آمده است کتباً اظهار برائت کرده‌اند اما متاسفانه این نظریه خیانت آمیز صرفاً یک مفهوم نظری روی کاغذ نیست بلکه بارها توسط حزب به مرحله اجرا گذاشته شده است.آنچه در پی انتخابات رخ داد تنها یک نمونه کوچک از اجرایی شدن این نظریه است.

ریاست محترم دادگاه، حضار گرامی

در جریان بحران هسته ای و فشارهای سنگین و تحریم های کشورهای سلطه گر و نهادهای استعماری بین المللی که همگی بـــرای ایجاد بحران علیه ایران متحد شـــده بودند و مردم ایران یکپارچه شـــعار می دادند انرژی هسته ای حق مسلم ماست و حفظ وحدت کلمه احزاب و گروهها دراین مورد بگونه ای تحسین برانگیز طمع بیگانگان به هر گونه شـــکاف داخلی را بکلی قطع کرده بود و حتی بعضی از احز